یادداشت میهمان

انتقام سختی که هر روز سخت‌تر می‌شود!

۱- در سالروز شهادت شهید سلیمانی در پاسخ به این سؤال مهم که تعهد رهبر معظم انقلاب اسلامی به «انتقام سخت» از خون حاج قاسم چگونه و کی محقق خواهد شد، باید گفت انتقام سخت در حال محقق شدن است، ولی همراه با «هزینه سنگین» مطرح شده که باید بپردازند و این لزوماً نه به معنای یک عملیات دفعی با نتایج زودگذر است، که می‌تواند یک پروژه بطئی و مستمر با نتایج پایدار، و سختی آن نیز نه برای یک لحظه و یک روز و یک ماه و یک سال دشمن را به درد آورد، بلکه قرن‌ها برای او دردآور باشد! زمانی که از انتقام سخت سخن گفته شد، همه تحلیلگران سیاسی و امنیتی و نظامی و رسانه‌ای جهان در پی این بودند که دریابند چه کسی قربانی آن خواهد بود و در سه سال گذشته نیز همواره سایه آن بر سر آمریکایی‌ها از خود ترامپ و پمپئو گرفته تا فرماندهان نظامی و دیگران و حتی صهیونیست‌ها بدجوری سنگینی و خاطره زندگی و سرنوشت سلمان رشدی مرتد را در اذهان زنده کرده است، با این تفاوت که «حکم انتقام سخت» را باید خیلی فراتر از «حکم سلمان رشدی» دانست. هرچند هر دو از یک جنس هستند، ولی آنچه که موجب گستردگی و عمق حکم انتقام سخت شده، تفاوت در شرایط کنونی با زمان صدور حکم سلمان رشدی است، چراکه ایران مستقل امروز با عمق نفوذ گسترده‌تر و نافذ بودن حکمش قوی‌تر شده است. امّا آنچه که تحلیلگران نظامی و سیاسی و... انتظارش را می‌کشند «مصداقی و گذرا» است که البته همین هم برایشان از خود انتقام سخت‌تر و دردناک‌تر است، درحالی که آنچه که جمهوری اسلامی در پی آن است، «ماهوی و پایدار» است. در حقیقت جنس انتقام سخت، از جنس صدور انقلاب اسلامی می‌باشد که اکنون تمام دنیای استکبار را مستاصل نموده است. از نظر جمهوری اسلامی همان گونه که شهادت شهید سلیمانی منطقه و جهان را تحت تاثیر قرار داد، انتقام سخت او نیز جهان را باید به‌طور پایدار تحت تاثیر قرار دهد. انتقام سختِ شهادت شهید سلیمانی نه یک استراتژی ملی بلکه جهانی و خواست ملّت‌ها در برابر نظام سلطه است که اکنون نه فقط خروج آمریکایی‌ها از منطقه، بلکه فراتر از آن «چالش، ضعف و افول هژمونی آمریکاست» که به اعتراف خود غربی‌ها اکنون هر روز سرعت آن شتاب بیشتری می‌گیرد و شاهد ده‌ها نشانه و پیامدها و تبعات آن هستیم. در یک کلام انتقام سخت در حال تغییر هندسه قدرت بین‌المللی با سرعت دادن به افول آمریکا و غرب توسط یک اقدام فراملی است و همان‌گونه که شهید سلیمانی در حیات خود توانسته بود نقشه‌های آمریکا در غرب آسیا را به هم بزند و خنثی کند، انتقام سخت شهادت او نیز بعداز او در حال به‌هم زدن تمام توطئه‌ها و نقشه‌های آمریکایی‌ها نه تنها در این منطقه، که در هرکجای جهان است. لذا پایان انتقام سخت این سخن رهبرمعظم انقلاب است که فرمودند «دست یافتن به پیروزی نهایی کام قاتلان و جنایتکاران را تلخ‌تر خواهد کرد».

۲- یکی از قرائن عینی انتقام سخت، نگرانی آمریکا از پیشرفت ایران و ناکارآمد شدن تحریم‌ها، نه فقط علیه ملت ایران بلکه علیه هر کشوری و هراس از تبدیل شدن جهان تک‌قطبی به جهان چندجانبه گرایی با گردش به شرق به‌عنوان یک واقعیت غیرقابل انکار است. کاهش قدرت آمریکا در تصمیمات منطقه و جهان و آماده شدن کشورهای اقتصادی بزرگ و در حال توسعه برای قراردادهای تبادل ارزی و جایگزینی دلار، از منطقه غرب آسیا تا آمریکای لاتین و همچنین استفاده از ارزهای دیجیتال فقط بخشی از شواهد عینی می‌باشد، تاجایی که بعد از استقبال سرد منطقه از بایدن، اعراب منطقه استقبال گرمی از رقیب قدرتمند نظامی، سیاسی و اقتصادی آمریکا کردند و حتی عربستان شیرده هم بعد از دراز کردن دست خود برای مذاکره با جمهوری اسلامی، اعلام کرده در فروش نفت به چین دلار را کنار می‌گذارد. اکنون رسانه‌های آمریکایی مجبورند بی‌پرده سخن بگویند به طوری که نشریه آمریکایی فارن‌افرز هفته گذشته از «پایان عصر تحریم‌ها» خبر داده و هشدار می‌دهد «استفاده از تحریم‌های یک‌جانبه توسط آمریکا، به رونق توسعه تبادلات تجاری با ارزهای غیردلاری در جهان منجر شده و روزهای طلایی تحریم‌های آمریکا به سر آمده است»!

۳- گذاشتن داغ شکست بر پیشانی آمریکا برای منزوی کردن ملت ایران، میدان دیگری از انتقام سخت است، از اذعان مکرون به نفوذ جمهوری اسلامی و اظهار عجز فرمانده سنتکام در مقابله با پهپادها و اقتدار موشکی ایران تا کشیده شدن خط بطلان بر غربگرایی از آسیا تا آمریکای لاتین و فضای به‌شدت ضدآمریکایی منطقه و گسترش دامنه جبهه مقاومت و... و از بهبود شاخص‌های اقتصادی بعد از ممانعت‌های یک مجموعه غربگرا علی‌رغم فتنه‌انگیزی و ایجاد آشوب و تشدید تحریم‌ها... تا اذعان وزارت انرژی آمریکا به توانایی جمهوری اسلامی برای صادرات و فروش نفت به چند برابر روزهای خوش‌خوشان برخی‌ها با آمریکایی‌ها و اذعان چند روز گذشته صندوق بین‌المللی پول به رشد ده شاخص کلان اقتصاد ایران از جمله بزرگ‌تر شدن ۹۱ میلیارد دلاری آن و رسیدن به مرز یک هزار و ۷۰۰ میلیارد دلار برای اولین بار در تاریخ ایران، در کنار اذعان به کاهش تورم همزمان با گسترش روابط با همسایگان و اعلان امضای توافق تجارت آزاد میان ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در ماه‌های آینده بعداز امضای اسناد همکاری راهبردی با روسیه و چین و.... و پیوست ایران به شانگهای و بریکس و.... همگی فقط نمونه‌ای از خروار است که می‌تواند یک انسان منصف را متقاعد کند که طرح آمریکا برای انزوای ایران شکست خورده و آمریکایی‌ها باید خود را برای «انتقام سخت‌تر» آماده کنند!

۴- با وجود هزینه صدها میلیارد دلاری و توطئه‌های گوناگون برای به فراموش سپردن آرمان و نماد مقاومت، اما حضور پررنگ پرچم فلسطین و چفیه فلسطینی در متن و حاشیه جام ۲۰۲۲ که به درون زمین و روی دوش بازیکنان تیم‌ها و حتی به نیمه نهایی نیز کشیده شد و تماشاگران و گردشگران از آن به‌عنوان بازوبند استفاده کردند، در کنار تنفر و هجمه‌ها علیه خبرنگاران رژیم صهیونیستی، تحقق انتقام سخت را به خوبی تفسیر کرد که در قطر برای آمریکایی‌ها غیرقابل تصور بود و به وسعت یک جهان رسانه‌ای شد و این نشان می‌دهد که هرچه نماد فلسطین رسانه‌ای‌تر شود، انتقام هم سخت‌تر و ماندگارتر می‌شود و این ترجمان همان آیه شریفی است که در شروع جام جهانی برای اولین بار در تاریخ قرائت شد: «والشمس و القمر بحسبان... و خورشید و ماه روی حساب منظمی می‌چرخند»!.

۵- اما شاهد عینی‌تر انتقام سخت که خود آمریکایی‌ها درد آن را به خوبی احساس می‌کنند، همین است که نمی‌توانند و نتوانستند امنیت ملت ایران را که مرهون تلاش‌های شهید سلیمانی است، بگیرند و یا به هم بزنند. ابهت و گستردگی و فشردگی حجم جمعیت تشییع‌کننده شهدای مدافع امنیت و همچنین شهدای گمنام در روزهای اخیر که زنده‌کننده خاطره تشییع شهید سلیمانی در اذهان جهانیان بود و ترند شدن تصاویر تشییع شهدا در برخی روستاها ازجمله رومشکان لرستان و پردنجان چهارمحال و بختیاری و... با آن عظمت که نشان می‌دهد تمام یک منطقه روستایی برای تشییع یک شهید گمنام چگونه به پا خاسته و قیام کرده بودند، با هیچ تحلیل و قدرت فهمی قابل درک نیست مگر با قدرت تحلیل انتقام سخت که «ما ملت امام حسینیم»!

۶- صرف‌نظر از حجم پروپاگاندای رسانه‌ای و تحریف‌هایی که صورت می‌گیرد، به نمونه‌هایی از تیتر رسانه‌های منطقه و جهان که هر روزه مخابره می‌شود، توجه کنید: «تحریم‌ها علیه ایران بی‌اثر و نمادین است»، «ایران در حال پیشرفت است»، «ایران به راهبرد واکنش سریع رسیده»، «۷۵۰ پایگاه نظامی آمریکا در منطقه و دنیا به‌عنوان پاشنه آشیل در تیررس پهپادها و موشک‌های ایرانی است»، «آمریکا قدرت برتری هوایی را در مقابل قدرت نیروی هوایی جمهوری اسلامی در منطقه از دست داده»، «قدرت ایران از این پس قادر است در مواجهه با هر تهدیدی و در هر مقیاسی و در هر نقطه‌ای واکنش سریع و قاطعانه نشان دهد»، «انتشار عکس‌های ناو هواپیمابر در حال ساخت ایرانی نشان می‌دهد که در آینده پهپادهای ایرانی از عرشه این ناو به پرواز در خواهند آمد»، «در صورت آغاز هرگونه درگیری، اسرائیل تنها در یک روز هدف هزاران موشک قرار خواهد گرفت!»، «فقط از مرزهای شمالی روزانه حدود ۲ هزار و ۵۰۰ موشک نقطه‌زن می‌تواند به عمق خاک اسرائیل(فلسطین اشغالی) در مناطق مسکونی شلیک شود» و... صدها خبر دیگر که شاید در پروپاگاندای امپراطوری رسانه‌ای صهیونیستی کمتر دیده شود. آمریکایی‌ها به خوبی از عمق وجودشان پیام انتقام سخت را از این تیترها درک می‌کنند و هر روز مستاصل‌تر از روز قبل شاهد سخت‌تر شدن انتقام خون شهید سلیمانی و یارانش هستند. لذا راهبرد انتقام سخت توانسته با تغییر معادلات و توازن قدرت، هم در میدان و هم در صحنه دیپلماسی معادله قدرت را تثبیت کند، به گونه‌ای که با سخت‌تر شدن تبعات و پیامدهای آن برای دشمن، از یک‌سو جرأت اقدامی در میدان ندارد و از سوی دیگر به شدت نیازمند میز مذاکره است!

دکتر محمدحسین محترم

گزارش خبری تحلیلی کیهان

وحشت غرب از مبادلات راهبردی ایران و روسیه

سرویس سیاسی- **جمهوری اسلامی ایران و روسیه در حال ساخت یک مسیر تجاری بین قاره‌ای به طول ۳۰۰۰ کیلومتر با هدف دور زدن تحریم‌های غرب و به چالش کشیدن هرگونه مداخله خارجی هستند، پروژه‌ای که از همین ابتدا غرب را به وحشت انداخته و هنوز شروع نشده کاخ سفید نگرانی خود را نسبت به این مسیر تجاری اعلام کرده است.**

در شرایطی که آمریکا و شرکای غربی از تروریسم اقتصادی به‌عنوان ابزاری مهم برای تضعیف یا به زانو درآوردن رقبا استفاده می‌کند، دولت‌های هدف نیز منفعل و دست بسته ننشسته و با تدابیر واکنشی و متقابل خود تلاش می‌کنند هجمه این شکل از جنگ نامتقارن را خنثی یا لااقل کم‌اثر کنند تا در این جنگ کمترین خسارت را متحمل شوند.

در این راستا یافتن شرکای جدید تجاری اقتصادی و تحکیم پیوندهای اقتصادی با شرکای نزدیک از مهم‌ترینِ این سیاست‌های واکنشی که تهران و مسکو را بیش از گذشته به سمت همکاری‌های راهبردی سوق داده است.

در همین رابطه فارین پالیسی نوشت: ایران و روسیه بیش از هر زمان دیگری به هم نزدیک هستند. آنها برای چندین دهه جبهه قدرتمند علیه قدرت‌های غربی ایجاد کرده‌اند، هرچند که این روابط در برخی مقاطع از لحاظ تاریخی، با بی‌اعتمادی و احتیاط همراه بوده است. جنگ اوکراین ممکن است همه‌چیز را تغییر دهد و مسکو را وادار کند تا ایران را به‌عنوان یکی از شرکای خارجی خود بپذیرد تا بتواند تجهیزات مورد نیاز خود را از تهران تامین کند و راه نجاتی برای اقتصاد تحریم‌شده‌اش پیدا کند.

نشنال اینترست نیز با طرح این ادعا که خرید هواپیمای سوخو-۳۵ از سوی ایران خطرناک‌تر از آن چیزی است که فکر می‌کنید، نوشت: خرید سوخو-۳۵ از سوی ایران نه‌تنها یک معامله دفاعی ساده است، بلکه نشانی از عمق همکاری راهبردی بین تهران و مسکو است. در حالی که برخی از ارزیابی‌های غربی تمایل دارند که این خرید را کم‌اهمیت جلوه دهند و ادعا کنند که این اقدام به‌طور جدی توازن نیروی هوایی در خلیج‌فارس را تغییر نمی‌دهد، اما سوخو-۳۵ روسی تقویت بی‌سابقه‌ای به کنترل تهران بر حریم هوایی ایران خواهد داد.

همچنین مجله نظامی فوربس نوشت: ایران پس از تحویل ۲۴ فروند سوخوی ۳۵ ساخت روسیه، قصد دارد طبق قراردادی باقی نیاز خود را (احتمالا تا ۶۰ فروند) در داخل ایران با همکاری روسیه بسازد. خرید این تعداد از جنگنده و دریافت فناوری ساخت آن توسط ایران یک پیروزی بزرگ برای ایران است.

از سوی دیگر این تعاملات راهبردی صرفا در حوزه دفاعی و نظامی نبوده و پس از امضای پیمان منطقه اقتصادی اورآسیا و راه‌اندازی کریدور شمال- جنوب که روابط تجاری بین ایران و روسیه را وارد فاز جدیدی از تعاملات کرد این‌بار پروژه دیگری در دستورکار دو کشور قرار گرفته است که فراتر از طرح‌های قبلی می‌تواند روند تجارت بین دو طرف را با سرعت زیادی توسعه دهد. جمهوری اسلامی ایران و روسیه که در سال‌های اخیر به‌طور فزاینده‌ای در مسیر اتحاد استراتژیک حرکت می‌کنند، با هدف دور زدن تحریم‌های غرب برای صادرات خود در پی ایجاد یک مسیر آبی- راه‌آهن جدید هستند.

پروژه تجاری ۲۵ میلیارد دلاری ایران و روسیه سند ناکامی تحریم‌های غرب

در همین رابطه بلومبرگ نوشت: روسیه و ایران در حال ساخت یک مسیر تجاری بین‌قاره‌ای با میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری جدید هستند که از لبه شرقی اروپا تا اقیانوس هند امتداد دارد، گذرگاهی به طول ۳۰۰۰ کیلومتر (۱۸۶۰ مایل) که خارج از دسترس هرگونه مداخله خارجی است. دو کشور میلیاردها دلار برای تسریع انتقال بار در امتداد رودخانه‌ها و راه‌آهن‌های متصل به دریای خزر هزینه می‌کنند.

این خبرگزاری آمریکایی تصریح کرد تحت فشار شدید تحریم‌ها، روسیه و ایران به سمت یکدیگر می‌چرخند و در عین حال هر دو همچنین به سمت شرق نیز نگاهی خواهند داشت.

براساس داده‌های خبرگزاری بلومبرگ این مسیر از دریای آزوف (بخش شمالی دریای سیاه) از جمله بندر اصلی ماریوپول اوکراین و دهانه رود دون، آغاز می‌شود و با عبور از دریای خزر و از آنجا به سمت خلیج‌فارس امتداد می‌یابد و در نهایت به اقیانوس هند ختم می‌شود.

این مسیر ریلی- آبی که از رودخانه‌ها و راه‌آهن‌های دو کشور عبور می‌کند نشان می‌دهد که چگونه دو کشور در برابر فشارهای غرب سعی دارند تا از همه توانمندی‌های خود در مقابل دشمنان بهره بگیرند.

داده‌های ردیابی کشتی‌های جمع‌آوری‌شده توسط خبرگزاری بلومبرگ نشان می‌دهد که ده‌ها کشتی روسی و ایرانی از جمله کشتی‌های مشمول تحریم، در حال تردد در این مسیر هستند. گفته می‌شود که حدود ۲۵ میلیارد دلار برای افزایش حجم تجارت در این کریدور ریلی و آبی سرمایه‌گذاری خواهد شد.

مسیر جدید در ادامه کریدور شمال- جنوب است و بخش‌هایی از این مسیر تجاری با کریدور قبلی هم‌پوشانی دارد و به همین خاطر بسیاری از زیرساخت‌های آن آماده هستند و لذا دو کشور برای احداث این کریدور کار چندان دشواری نخواهند داشت.

در ماه‌های اخیر دیدارهای زیادی بین مقامات ایران و روسیه در پایتخت‌های دو کشور انجام شده است و روند تجارت هم بین دو متحد روند رو به رشدی را نشان می‌دهد. با امضای قراردادهای جدید و راه‌اندازی کریدورهای ریلی و آبی، پیش‌بینی می‌شود که سطح معاملات تجاری بین دو کشور در آینده نزدیک به بیش از ۵ میلیارد دلار برسد.

حتی براساس توافقاتی که اخیرا در تهران به امضای مقامات دو کشور رسید، سقف ۴۰ میلیارد دلاری هم برای تعاملات دوجانبه در آینده درنظر گرفته شده است.

دولت سیزدهم هم سیاست راهبرد نگاه به شرق را در رأس سیاست خارجی خود قرار داده است و در توسعه مناسبات با کشورهای آسیایی و به‌خصوص روسیه و اورآسیا تلاش مضاعفی انجام داده است و قراردادهای زیادی را با کشورهای منطقه در یک‌سال گذشته امضا کرده است.

نگرانی آمریکا از پروژه راهبردی جدید تهران- مسکو

در چنین شرایطی آمریکا که از هر توافقی بین ایران و روسیه نگران است و آن را تهدیدی برای خود می‌داند، این‌بار هم این پروژه جدید را برخلاف سیاست‌های خود در جهان اعلام کرده و سعی دارد تا بتواند مانع از تحقق این برنامه‌ها شود.

مقامات ایالات متحده گفته‌اند که از نزدیک این کریدور را زیر نظر دارند، چرا که به ادعای آنها می‌تواند برای انتقال سلاح‌های ایرانی به روسیه علیه اوکراین نیز مورد استفاده قرار گیرد.

رابرت مالی، نماینده آمریکا در امور ایران گفته است: «این یک تصمیم فوق‌العاده مضر و بی‌ملاحظه است که آنها گرفته‌اند. مهم است که توجه خود را به آن جلب کنیم تا به دنیا نشان دهیم که نمی‌توانند چیزی را از ما پنهان کنند».

جیمز اوبراین، مقام ارشد آمریکایی در امور تحریم، پس از اعلام تحریم‌های جدید در هفته گذشته که مدیران راه‌آهن روسی را هدف قرار می‌دهد، گفت: «این محدوده‌ای است که ما با دقت دنبال می‌کنیم، هم این مسئله و هم به‌طورکلی ارتباط ایران و روسیه. ما نگران هرگونه تلاشی برای کمک به روسیه برای دور زدن تحریم‌ها هستیم».

نکته قابل تامل اینکه روند تحولات چند ماه اخیر نشان داد که هرچه فشارهای غرب علیه روسیه و ایران بیشتر می‌شود، به همان اندازه اراده دو کشور برای مقابله با فشارهای غرب هم افزایش پیدا می‌کند.

چه کسی فکرش را می‌کرد؟!

در همین راستا وبسایت رادیو فردا نوشت: چه کسی شش‌ماه پیش فکر می‌کرد که ایران به تامین‌کننده بسیاری از نیازهای روسیه تبدیل شود؟

این رسانه آمریکایی ضمن مرور تحلیل رسانه‌های روسیه می‌نویسد: زمینه‌های همکاری‌های روسیه و ایران متعدد است. از تعمیر هواپیما و رفع بحران حمل‌ونقل هوایی گرفته تا احداث خطوط ریلی، تولید توربین و...

گفت‌وشنود

هردووانه!

گفت: یکی از به اصطلاح حقوقدانان مدعی اصلاحات گفته است؛ دستگیرشدگان اخیر که برای اعتراض به اوضاع اقتصادی و وضعیت معیشتی و بیکاری به خیابان آمده و تظاهرات کرده و سطل زباله را آتش زده‌اند، به لحاظ فقهی محارب نیستند! زیرا قصد مقابله با نظام اسلامی و ایجاد رعب و وحشت نداشته‌اند!

گفتم: ولی اولاً؛ آنها برای اعتراض به مسائل اقتصادی به خیابان نیامده بودند و حتی یک شعار اقتصادی هم ندادند. ثانیاً؛ با صراحت اعلام کرده و اعتراف کرده و اسناد آن نیز موجود است که از سوی سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه برای آشوب و اغتشاش علیه نظام اجاره شده بودند. ثالثاً؛ با اسلحه سرد و گرم به جان مردم افتاده و آنان را شکنجه کرده و به قتل رسانده بودند.

گفت: چرا وقتی آشوبگران به قتل و آتش‌زدن آمبولانس‌های حامل بیمار و ده‌ها جنایت دیگر مشغول بودند این آقا زبان به کام گرفته و لام تا کام اعتراض نمی‌کرد؟!

گفتم: به خیال خودش کلک مرغابی زده و از پله دوم حرکت کرده است!

گفت: حالا این مدعی اصلاحات برای خوش‌آمد دشمنان مردم و نظام، صورت‌مسئله را تغییر داده و خود را موظف به حمایت از تروریست‌های قاتل می‌داند و یا سواد درست و حسابی ندارد؟!

گفتم: از یارو پرسیدند؛ خربزه می‌خوری یا هندوانه؟

واشنگتن:

دولت بایدن متعهد به حفاظت از جان ترامپ در مقابل تهدید انتقام ایران است

یک سخنگوی وزارت خارجه آمریکا تاکید کرد دولت بایدن تعهد کرده از جان قاتلان سردار شهید سلیمانی حفاظت کند.

نشریه آمریکایی نیوزویک گزارش داد در حالی که مقامات ایرانی همچنان به دنبال اجرای عدالت علیه عاملان ترور سردار سلیمانی هستند، یک مقام دولت بایدن تاکید کرد واشنگتن متعهد به حفاظت از جان آنها است.

طبق این گزارش، در حالی که دونالد ترامپ و دست‌کم دو نفر از مقامات ارشد وی هدف انتقام ایران هستند، یک مقام فعلی آمریکایی گفت: دولت بایدن متعهد است که چنین برنامه‌هایی به نتیجه نرسد.

به نوشته نیوزویک، شخصیت‌های ارشد نهادهای سیاسی، قضایی و نظامی ایران سومین سالگرد کشته شدن (شهادت سردار) سلیمانی را با تاکید بر تمایل خود برای پاسخگو کردن افراد پشت حمله مرگبار آمریکا در فرودگاه بین‌المللی بغداد، گرامی داشتند.

طبق این گزارش، یک سخنگوی وزارت خارجه آمریکا به این نشریه در واکنش به اظهارات مقامات ایرانی و برده شدن نام سه نفر به عنوان متهمان اصلی شامل ترامپ، مایک پمپئو وزیر خارجه دولت وی و کنث مک‌کنزی فرمانده پیشین تروریست‌های آمریکایی در منطقه (سنتکام) مدعی شد: ایران به توطئه علیه شهروندان و منافع آمریکا برای آنچه انتقام مرگ قاسم سلیمانی می‌خواند، از جمله با تهدید مقامات فعلی و سابق آمریکا ادامه می‌دهد.

وی افزود: بنابراین بگذارید شفاف باشیم: ایالات متحده از شهروندانش محافظت و دفاع خواهد کرد. این شامل مقامات دولتی فعلی و سابق آمریکا می‌شود.

اواخر آبان بود که خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش داد، دولت بایدن به این نتیجه رسیده که تهدیدهای جانی علیه مایک پمپئو وزیر خارجه سابق آمریکا و برایان هوک مسئول وقت امور ایران کماکان معتبر و موثق هستند و حفاظت از جان قاتلان سردار شهید سلیمانی را از هراس انتقام تمدید کرد.

خبرگزاری آسوشیتدپرس چند ماه قبل از آن هم گزارش داده بود دولت فدرال آمریکا به طور تقریبی دو میلیون و صد و هفتاد و پنج هزار دلار در ماه برای محافظت از این دو مقام سابق هزینه می‌کند.

مایک پمپئو، دی‌ماه سال گذشته در دومین سالگرد شهادت سردار سلیمانی خواستار افزایش حافظت فیزیکی از خودش و دونالد ترامپ شده بود.

دولت آمریکا به ریاست دونالد ترامپ ۱۳ دی سال ۱۳۹۸ سردار قاسم سلیمانی و شماری از همراهان ایشان را در نزدیکی فرودگاه بغداد به شهادت رساند. «اگنس کالامارد» گزارشگر ویژه سازمان ملل این قتل را غیرقانونی خوانده و بهانه‌های آمریکا در توجیه آن را رد کرده است.

گزارش‌های مختلفی حاکی است که پمپئو یکی از اصلی‌ترین افراد دخیل در تصمیم دولت ترامپ برای تصمیم سردار سلیمانی بوده است. روزنامه گاردین در گزارشی مردادماه سال ۱۳۹۹ با هشدار درباره دیدگاه‌ها و مواضع خطرناک مایک پمپئو نوشته بود این پمپئو بود که رئیس‌جمهور این کشور را به صدور فرمان ترور ژنرال سلیمانی مجاب کرد.

سخنگوی دولت در منزل مادر شهید اثنی‌عشری حضور یافت

سخنگوی دولت همزمان با سالروز وفات حضرت ام‌البنین(س) در منزل مادر شهید مهدی اثنی‌عشری از شهدای اغتشاشات اخیر حضور یافت.

علی بهادری جهرمی سخنگوی دولت، عصر روز جمعه ۱۶ آذرماه همزمان با سالروز وفات حضرت ام‌البنین(س) و روز تکریم مادران و همسران شهدا در منزل مادر شهید مهدی اثنی عشری از شهدای اغتشاشات اخیر حضور یافت و به مقام این شهید ادای احترام کرد.

شهید مهدی اثنی‌عشری از سربازان گمنام امام زمان(عج) پنجشنبه شب بیست و ششم آبان‌ماه به دست اغتشاشگران مسلح در بوکان به شهادت رسید.

خبر ویژه

علی مطهری: بیانات رهبری بسیار درست، پرمحتوا و بسیار دقیق بود

علی مطهری می‌گوید: با صحبت‌های رهبری، شعار «زن، زندگی، آزادی» بی‌اعتبار شد

نماینده و نایب رئیس‌مجلس دهم در گفت‌وگو با سایت جماران و درباره بیانات اخیر رهبر انقلاب در دیدار بانوان گفت: صحبت های مقام رهبری در آستانه روز زن، به نظر من صحبت‌های بسیار درست، پرمحتوا، غنی و بسیار دقیق بود. سخنان ایشان در بخش‌هایی یادآور سخنان شهید مطهری درباره مسئله حقوق زن و... بود.

من فکر می‌کنم که با صحبت‌های مقام رهبری، شعار «زن، زندگی، آزادی» بی‌اعتبار شد. چون کسانی که این شعار را سر می‌دهند، معلوم نیست مقصودشان از آزادی چیست. برخی افراد هم که گفتند ما این شعار را قبول داریم، باید از آنها پرسید منظورتان از آزادی چیست؟ کدام آزادی؟ نمی‌شود همین طوری بگوییم که ما این شعار را قبول داریم. باید ببینیم کدام آزادی؟ آیا آزادی مورد نظر ما است یا نه؟ یا آزادی غربی را می‌گویند؟ بنابراین با سخنرانی اخیر رهبری، شعار «زن، زندگی، آزادی» اعتبار خود را از دست داد.

مطهری افزود: در آستانه پیروزی انقلاب، برخی افراد که گرایش چپ داشتند، مطرح می‌کردند که بیاییم از «آزادی» شعار واحدی بسازیم. استاد مطهری در یک سخنرانی جواب دادند: شما که می‌گویید از آزادی شعار واحدی بسازیم، آزادی مشترک لفظی است. باید مشخص شود که مقصود شما و ما از آزادی چیست؟ مقصود شما از آزادی، آزادی از مذهب است. مقصود ما از آزادی، از جمله آزادی از کمونیسم است. ما چگونه می‌توانیم با هم از آزادی، شعار واحدی بسازیم؟

امروز هم همین طور است. کسانی که می‌گویند «زن، زندگی، آزادی»، اول باید روشن کنند که منظورشان از آزادی چیست؟ آیا ما آن را می‌پذیریم یا نه؟ همین گونه نمی‌شود گفت که ما هم این شعار را قبول داریم. من دیدم که برخی از افراد و شخصیت‌ها گفته‌اند که ما این شعار را قبول داریم. آیا شما همان شعار مورد نظر آنها را قبول دارید یا مقصود شما از آزادی چیز دیگری است؟!

وی تاکید کرد: به نظر من صحبت‌های مقام رهبری درباره مسئله زن صحبت‌های بسیار خوبی بود و ایشان گفتند که ما افراد کم حجاب را بی‌دین و ضدانقلاب نمی‌دانیم، این‌ها خواهران ما هستند و بسیاری از این‌ها افراد متدین و انقلابی هستند. مخالفان می‌خواستند این‌ها را به سمت خودشان بکشانند و خیال می‌کردند که با تبلیغات علیه حجاب، این‌ها کشف حجاب می‌کنند، در حالی که نکردند و به قول مقام رهبری به دشمنان تودهنی زدند. به نظرم نطق مقام رهبری، نطق هوشیارانه‌ای بود و به ضرر افرادی بود که به دنبال براندازی هستند.

تکرار یک دروغ برجامی درباره فصل ۷ منشور ملل متحد

برخلاف ادعای حامیان برجام، نسبت ایران با فصل هفتم منشور ملل متحد، قبل و بعد از برجام هیچ تفاوتی نکرده بود.

در روزهای اخیر برخی رسانه‌ها با بازنشر فایل صوتی مصاحبه آقای ظریف با سعید لیلاز ادعای تکراری قرار داشتن پرونده هسته‌ای ایران ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد را مطرح کردند. وزیر خارجه دولت روحانی در این فایل صوتی ادعا می‌کند به علت وجود عبارت «ذیل ماده ۴۱ فصل هفتم اقدام می‌کند (acting under article chapter 7 of 41)»، قطعنامه‌های صادر شده علیه ایران پیش از برجام ذیل فصل هفتم قرار داشته و بنابراین اظهارات دکتر جلیلی(رئیس اسبق تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای) نه‌تنها دروغ بلکه فاجعه است!

به گزارش روزنامه ایران، این استدلال را از لحاظ حقوقی، باید سطحی نامید. چرا که؛ اگر ذیل عبارت «ذیل ماده ۴۱ فصل هفتم اقدام می‌کند»، نگارش «اقدام می‌کند»(acting) به معنی قرار داشتن پرونده ایران ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد باشد، بنابراین قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت هم ذیل فصل هفتم است، چرا که در قطعنامه ۲۲۳۱ نیز همه تصمیم‌های شورای امنیت تحت ماده ۴۱ درج شده و ۱۰ مرتبه به ماده ۴۱ استناد شده است. مخاطبان محترم می‌توانند با یک جست وجوی ساده عبارت «acting under article ۴۱ of chapter» در قطعنامه ۲۲۳۱ دریابند که بر مبنای استدلال آقای ظریف، قطعنامه ۲۲۳۱ نه‌تنها ایران را از فصل هفت خارج نکرده بلکه ایران را در فصل هفتم قرار داده است. بنابراین قطعنامه‌ای که مدعی خروج از فصل هفتم منشور ملل متحد است، با این سبک استدلال ناشیانه در ذیل فصل هفتم قرار می‌گیرد.

رویه شورای امنیت برای قرار دادن پرونده هر کشور تحت «فصل هفتم منشور ملل متحد» بدین ترتیب است که باید در پاراگراف‌های مقدماتی قطعنامه به دو مسئله اشاره کند:

۱- اعلام کند که اقدامات کشور مذکور یا منجر به نقض صلح و امنیت بین‌الملل شده یا موجب تهدید صلح و امنیت بین‌الملل شده است.

۲- پس از احراز تهدید یا نقض صلح و امنیت بین‌الملل، شورای امنیت قطعنامه‌ای تحت فصل ۷ منشور ملل متحد صادر کند. پیرامون پرونده هسته‌ای ایران، شورای امنیت سازمان ملل عدم تعلیق غنی‌سازی توسط ایران را تهدیدیا نقض صلح و امنیت بین‌الملل نشناخته بود، بر همین اساس از آنجا که شرط اول محقق نشده و پرونده هسته‌ای ایران تهدید یا نقض صلح و امنیت بین‌الملل شناخته نشد، شورای امنیت سازمان ملل هیچ‌یک از قطعنامه‌ها علیه ایران را تحت فصل منشور ملل متحد صادر نکرده است. مخاطبان با یک جست‌وجوی ساده می‌فهمند که عبارت «پرونده هسته‌ای ایران تهدید یا نقض صلح بین‌الملل است» در هیچ قسمتی از قطعنامه‌های صادر شده علیه ایران نیامده است.

از همین‌رو شورای امنیت تنها و تنها برای اینکه ایران را ملزم به تعلیق نماید، در قطعنامه ۱۶۹۶ به «ماده ۴۰ از فصل هفتم منشور ملل متحد» جهت الزام استناد نموده و سپس برای مجازات و وادارسازی ایران به تعلیق، در قطعنامه‌های ۱۷۳۷، ۱۸۰۳، ۱۷۴۷، و ۱۹۲۹ به «ماده ۴۱ از فصل هفتم منشور ملل متحد» که تحریم را دربر دارد، استناد کرده بود. در قطعنامه ۲۲۳۱ نیز همه تصمیم‌های شورای امنیت تحت ماده ۴۱ درج و ۱۰ مرتبه به ماده ۴۱ استناد شده است. در همین راستا دکتر علی باقری معاون وزیر امور خارجه و مذاکره‌کننده ارشد ایران با حضور در برنامه دستخط درباره ادعای حضور ایران در فصل هفتم منشور ملل متحد می‌گوید: «این یک بحث دقیق حقوقی است. آنهایی که این مطلب را بیان می‌کنند یا نمی‌دانند یا کم‌لطفی می‌کنند. فصل هفتم منشور فصلی است که اجبار در اجرای آن است. ماده ۴۱ آن درباره تحریم‌های سیاسی و اقتصادی است. ماده ۴۲ درباره جنگ است. با رایزنی که با روس‌ها و چینی‌ها صورت گرفت، یک اتفاق ظریف حقوقی رخ داد. بحث ما این بود شما که می‌خواهید قطعنامه بدهید چرا می‌خواهید به فصل هفت بیایید؟ گفتند برای اجبار به فصل هفت می‌آییم. گفتیم اگر اجبار می‌خواهید باشد بگویید ماده ۴۱، نگویید فصل هفت! چون اگر فصل هفت بگویید آمریکایی‌ها با استفاده از همین فرصت، بدون مشورت و هماهنگی با شما می‌توانند سراغ ماده ۴۲ هم بروند. وقتی این را بیان کردیم این نکته را قبول و بیان کردند فصل هفت نشود، بلکه ماده ۴۱ شود. ماده ۴۱ تحت فصل هفت هست و قطعنامه تحت فصل هفت نیست. اگر قطعنامه تحت فصل هفت بود ماده ۴۲ هم ذیل آن بود. اتفاقاً بند ۳۸ قطعنامه ۱۹۲۹ به این مسئله تصریح دارد؛ می‌گوید اگر ایران هیچ‌یک از اینها را اجرا نکرد، نمی‌توان از ظرفیت ماده ۴۲ فصل هفت استفاده کرد. در قطعنامه این را بیان کردند.»

بی‌انضباطی مالی دولت روحانی؛ انکار از نوبخت و تایید از همتی

واقعیت‌های اقتصادی حتی در زبان برخی دولتمردان سابق، اظهارات محمدباقر نوبخت رئیس سازمان برنامه و بودجه در دولت روحانی را رد می‌کند.

نوبخت اخیرا خالی بودن خزانه هنگام تحویل دولت از روحانی به رئیسی را رد کرد و گفت: اگر خزانه خالی بود، دولت سیزدهم چطور توانست در ماه‌های اول بدون خلق پایه پولی و ایجاد بدهی حقوق کارمندان را پرداخت کند؟

نوبخت اظهار کرد: پیش از این اشاره به خزانه خالی، گرا به دشمن و نشانه ضعف تلقی می‌